

از آنجاکه این شماره فصلنامه کلامی در آستانه «شهر حج»

منتشر می‌شود از این جهت به درج این مقاله اقدام گردید.

دکتر محمد محمدرضایی

وحدت اسلامی و حج از نظر قرآن و روایات

(به روایت حضرت علامه آیت الله العظمی سبحانی)

چکیده

این مقاله بر آن است تا وحدت اسلامی و حج و رابطه آن دو را از نظر قرآن و سنت به روایت حضرت علامه سبحانی مورد بحث و بررسی قرار دهد. وحدت جامعه اسلامی از مسایل بسیار مهمی است که قرآن بر آن تأکید زیادی کرده است به گونه‌ای که از آن به عنوان یک نعمت الهی یاد می‌کند. قرآن همچنین تفرقه و اختلاف بین امت اسلامی را مورد مذمت و نکوهش قرار می‌دهد. در این مقاله همچنین به محورهای وحدت میان مسلمانان اشاره شده که عبارتند از: توحید، نبوت و معاد و نیز شریعت و رهبری واحد. ملاک شرک و کفر، عناصر عقیدتی وحدت یعنی توحید، نبوت و معاد هستند که هر کس آنها را بپذیرد در حوزه اسلام قرار می‌گیرد و جان و مال او محترم است، البته اختلافات جزئی نباید به مسأله وحدت آسیبی برساند.

سپس به مسأله حج و وحدت اسلامی اشاره شده که مراسم حج یکی از پرشورترین و باشکوه‌ترین عباداتی است که در عین به نمایش گذاشتن عظمت توحید، مسأله وحدت میان همه اقوام اسلامی در آن به شکل زیبایی نمودار می‌شود.

در پایان، این مسأله مورد بحث قرار گرفته است که منافع حج فقط به بُعد عبادی صرف، محدود نمی‌شود، بلکه مسلمانان از این مراسم وحدت آفرین می‌توانند منافع متعددی اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و... کسب نمایند.

مقدمه

وحدت اسلامی، به معنای آن است که همه مسلمانان از هر ملت و مذهبی، بر محور باورهای دینی مشترک و هم‌چنین منافع و اهداف مشترک، گرد هم آیند و برای نیل به سعادت دنیا و آخرت، و قرب الهی و تحقق آموزه‌های بنیادی دینی، با همدلی تلاش کنند و به رفع موانع فراروی خود، همت گمارند و هیچ‌یک از اختلافات، و نظریات فقهی جزئی، کلامی، تاریخی نتواند خدشه‌ای به این همدلی وارد سازد. وحدت اسلامی بسیار مورد تأکید قرآن و روایات اسلامی است. قرآن مسلمانان را سفارش می‌کند که بر حبل الهی چنگ زنند و از تفرقه بپرهیزند و مسأله وحدت را یک نعمت الهی می‌داند. چنان چه می‌فرماید:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^(۱)

«و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود

یاد کنید که آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید؛ و [نیز یاد کنید که] برکنار پرتگاه آتش بودید، و شما را از آن رها کنید. این‌گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید.»

خداوند در آیه دیگر می‌فرماید از خدا و رسولش اطاعت نمایید، زیرا که چنین اطاعتی، مصداق حبل الهی است و نیز با یکدیگر نزاع نکنید که سست می‌شوید و صلابت شما از بین می‌رود و در این راه صبر کنید که خدا با صابران است، چنان که می‌فرماید:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾^(۲)

«(فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است!».

۱. آل عمران(۳): ۱۰۳.

۲. انفال(۸): ۴۷.

قرآن، هم چنین در مذمت تفرقه و پراکندگی می‌فرماید:

«ولا تكونوا من المشركين من الذين فرقوا دينهم وكانوا شيعاً كل حزب بما لديهم فرحون»^(۱)

«از مشرکان مباشید، از کسانی که دین خود را قطعه قطعه کردند و فرقه فرقه شدند، هر حزبی بدانچه پیش آنهاست دلخوش شدند».

هم چنین قرآن، مسلمانان را امت واحد می‌داند:

«ان هذه أمتكم أمة واحدة وأنا ربكم فاعبدون»^(۲)

«این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما، پس مرا پرستید».

امت مشتق از اَمَم است که به معنای قصد کردن چیزی است^(۳) و به جماعتی اطلاق می‌شود که دین یا مکان یا زمان واحد، آنها را به هم پیوند داده است.

مسلمانان هنگامی می‌توانند امت واحد شوند که دارای هدف، مقصد و رهبری و کتاب و شریعت واحد باشند که در پرتو اتحاد و همدلی بتوانند به سعادت دنیوی و

أخروی نایل گردند.

قرآن حتی مسلمانان را دعوت می‌کند که در مقابل شرک و کفر، با اهل کتاب در مسایل مشترک متحد شوند که همان اعتقاد به توحید و یکتاپرستی است.

«قل يا أهل الكتاب تعالوا إلى كلمة سواء بيننا وبينكم أن لا نعبد إلا الله ولا نشرك به شيئاً»^(۴)

«بگو ای اهل کتاب بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم».

از این آیه به خوبی می‌توان استفاده نمود که حال که قرآن بر وحدت مسلمانان با اهل کتاب در مبانی مشترک پای می‌فشرد، به طریق اولی خواهان آن است که وحدت میان مسلمانان بر محور مبانی و اهداف مشترک برقرار گردد، زیرا که مؤمنان با یکدیگر برادرند. در روایات نیز بر این مسأله تأکید شده است که

۱. روم (۳۰): ۳۱ و ۳۰.

۲. انبیاء (۲۱): ۹۲.

۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة.

۴. آل عمران (۳): ۶۴.

که چگونه این عناصر وحدت، به صورت بسیار چشمگیری در مراسم عبادی حج متجلی می‌شوند!

محورهای وحدت امت اسلامی

الف: وحدت در عقاید

۱. توحید و مراتب آن

همه مسلمانان باید به خدای واحد و یکتا اعتقاد داشته باشند. خدا، احد و شریک است و مثل و نظیری برای او وجود ندارد: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ* اللَّهُ الصَّمَدُ* لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ* وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾^(۳)؛ ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾^(۴). همچنین خداوند، خالق همه چیز از جمله آسمان‌ها و

مؤمنان و مسلمانان چونان یک پیکر واحدند که اگر یک عضوی با مشکل مواجه شد، دیگر اعضا نیز در این مشکل سهیم هستند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مؤمن برادر مؤمن است، چونان یک پیکر که هرگاه یکی از اعضای آن به درد آید، درد آن به دیگر اعضا نیز سرایت می‌کند.^(۱) و نیز در صحیح مسلم آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مؤمنان در دوست داشتن و مهربانی و عاطفه به یکدیگر، همانند پیکری واحد هستند که هرگاه عضوی به دردی گرفتار آید دیگر اعضا نیز با وی با بیداری و تب همدردی می‌نمایند.^(۲)

از این آیات و روایات می‌توان استنباط نمود که وحدت جامعه اسلامی، مطلوب قرآن است و همه مسلمانان باید در جهت تحقق جامعه متحدی تلاش کنند و از هر چه که موجب تفرقه می‌شود، برحذر باشند.

اکنون که از دیدگاه قرآن و روایات، اهمیت وحدت امت اسلامی نمایان گردید، شایسته است که به محورهای وحدت نیز اشاره نماییم تا مشخص شود

۱. المؤمن أخو المؤمن كالجسد الواحد، ان اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك فى سائر جسده... کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۴.

۲. مثل المؤمنین فی توادهم وتراحمهم وتعاطفهم كمثل الجسد، إذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى. مسلم، صحیح مسلم، ج ۸، ح ۲۵۸۵، ۲۵۸۶.

۳. اخلاص (۱۱۲): ۱-۵.

۴. شوری (۴۲): ۱۱.

زمین است.^(۱) و نیز خداوند یکتا، مدبر همه عالمین است.^(۲)

و نیز مسلمانان باید از خداوند و دستوراتش اطاعت نمایند^(۳) و نیز اطاعت از پیامبر اطاعت از خدا است^(۴) و هر کس از چنین اوامری تخلف کند در زمره ظالمان و فاسقان است و نیز فقط باید خدا را عبادت کنند و تنها از او استعانت بجویند.^(۵)

۲. نبوت عام و خاص

یکی دیگر از عناصر وحدت عقیدتی مسلمانان، اعتقاد به نبوت عامه و خاصه است. خداوند، انبیای الهی را برای هدایت و سعادت دنیا و آخرت انسانها مبعوث فرموده است که آخرین آنها پیامبر گرامی اسلام است که بعد از آن باب وحی رسالی بسته می‌شود و کسانی که قایل به آن باشند که وحی رسالی بعد از پیامبر تداوم دارد، از دایره اسلام خارج می‌شوند. قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿لقد بعثنا في كل أمة رسولا أن اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت﴾^(۶)

«ما، در هر امتی رسولی برانگیختیم

که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!».

و نیز در باب خاتمیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

﴿ما كان محمدُ أباً أحد من رجالكم ولكن رسول الله وخاتم النبيين وكان الله بكل شيء عليماً﴾^(۷)

«محمد ﷺ پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است!».

۳. ایمان به معاد

یکی دیگر از عناصر وحدت عقیدتی مسلمانان، اعتقاد به معاد است؛ یعنی این که زندگی انسان محدود به این زندگی دنیایی نیست بلکه روح انسان بعد از مرگ به حبات برزخی خود ادامه

۱. رعد (۱۳): ۱۶: ﴿قل الله خالق كل شيء وهو الواحد القهار﴾.

۲. حمد (۲): ۱؛ رعد (۱۳): ۲.

۳. انبیا (۲۱): ۴۵.

۴. نساء (۴): ۸۰.

۵. حمد (۲): ۵.

۶. نحل (۱۶): ۳۶.

۷. احزاب (۳۳): ۴۰.

می‌دهد^(۱) تا در روز قیامت دوباره برانگیخته شوند تا در آن روز به حساب همه اعمال انسان‌ها رسیدگی شود^(۲). کسانی که دارای اعمال صالح هستند در بهشت و کسانی که راه فساد و ظلم و تباهی را در دنیا، پیشه خود کرده‌اند، گرفتار دوزخ خواهند شد.^(۳)

اعتقاد به معاد از دیدگاه قرآن، چنان اهمیتی دارد که قرین اعتقاد به توحید ذکر شده است:

﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلْ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ﴾^(۴)

«کسانی که خدا و روز رستاخیز ایمان آورند، و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است»

﴿إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
ذَلِكَ خَيْرٌ﴾^(۵)

«اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر است».

البته اعتقاد به وجود معاد، ناشی از اعتقاد به عدالت و حکمت خدا است. از آنجا که خداوند عادل و حکیم است، عدالت و حکمت خداوند اقتضاء می‌کند که معادی وجود داشته باشد.

این اعتقادات سه‌گانه، اعتقادات اساسی اسلام است که ایمان و کفر دایر مدار آنها است. هر کس که به این اصول سه‌گانه اعتقاد داشته باشد، در زمره مسلمانان قرار می‌گیرد و هر کس که یکی از این اصول را انکار نماید از دایره اسلام خارج می‌شود.

از آنجا که این مبانی اعتقادی نقش اساسی در اخوت و وحدت اسلامی دارند، به برخی از روایات در این باره اشاره می‌نماییم:

۱. رُوی عن عمر بن الخطاب:

انَّ عَلِيًّا صَرَّخَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: عَلِيٌّ مَاذَا أَقَاتِلُ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: قَاتِلَهُمْ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَقَدْ مَنَعُوا مِنْكَ دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا وَحَسَابِهِمْ عَلِيٌّ اللَّهُ.^(۶)

۲. رُوی الإمام الشافعي عن أبي هريرة:

۱. مؤمنون (۲۳): ۱۰۰.
۲. غاشیه (۸۸): ۲۵ و ۲۶.
۳. قارعه (۱۰۱): ۹-۶.
۴. بقره (۲): ۶۲.
۵. نساء (۴): ۵۹.
۶. مسلم، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۱.

ان رسول الله ﷺ قال: لا أزال أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله، فإذا قالوا فقد عصموا مني دماءهم وأموالهم إلا بحقها وحسابهم عليهم.^(۱)

۳. امام رضا علیه السلام، امام هشتم اهل بیت از پدرانش از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل می‌کند:

قال النبي ﷺ: أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله فإذا قالوا حرمت عليّ دماؤهم وأموالهم.^(۲)

نتیجه آن که کسانی که به وحدانیت خدا و خاتمیت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و معاد اعتقاد داشته باشند در زمره مسلمانان قرار می‌گیرند. در آن صورت، نمی‌توان آنها را مشرک و کافر نامید و از این رو جان و مال و ناموس آنها از احترام برخوردار است.

ب. وحدت در شریعت

همه مسلمانان به شریعت واحد، یعنی احکام عبادی، اقتصادی، اجتماعی... اسلام اعتقاد دارند که برخی از احکام اساسی عبادی آن عبارتند از: نماز، صوم، خمس، زکات، حج، جهاد و امر به

معروف و نهی از منکر و... هم چنین همان گونه که احکام عبادی جزء شریعت اسلام هستند، احکام جزایی، اقتصادی و... نیز جزء شریعت هستند، نظیر بیع، اجاره، مضاربه، مساقات و مزارعه و...

البته در بین مذاهب فقهی در برخی از جزئیات، اختلاف وجود دارد، ولی آنها به جوهر و اساس شریعت آسیبی نمی‌رساند و این اختلافات جزئی نباید باعث تفرقه و اختلاف میان مسلمانان شود.

ج. وحدت در رهبری

همه مسلمانان باید پیامبر را اسوه و الگوی خود بدانند و از سنت او تبعیت نمایند و نیز بعد از پیامبر باید از اولی الامر تبعیت نمایند، چنان چه قرآن می‌فرماید:

﴿أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولى الأمر منكم﴾.^(۳)

«اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر [اوصیای پیامبر] را».

۱. امام شافعی، الأم، ج ۴، ص ۱۸۱.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۴۲.

۳. نساء (۴): ۵۹.

از آنجا که اطاعت اولی الامر مستقیماً بعد از اطاعت رسول الله آمده است، اطاعت آنها از لحاظ علمی، سیاسی و تقوایی باید در راستای اطاعت رسول الله باشد. و منظور از اولی الامر، تنها رهبری سیاسی نیست، بلکه رهبری دینی است که باید از صلاحیت‌های لازم برخوردار باشد. اما میان برخی از مسلمانان در مصداق اولی الامر اختلاف نظر وجود دارد که می‌توانند با بحث و نظر علمی تا اندازه زیادی به هم نزدیک شوند.

د. وحدت در هدف

همه مسلمانان وظیفه دارند که با تحقق آموزه‌های اسلامی در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اجتماع خود را به سوی مکارم و فضایل اخلاقی هدایت نمایند تا زمینه و بستر مناسب هر چه بیشتر آماده گردد که دین حق بر همه آیین‌ها سیطره پیدا کند. قرآن در این باره می‌فرماید:

۱. ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ

تأمرؤن بالمعروف و تنهون عن المنکر

و تؤمنون بالله﴾^(۱)

«شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اید: (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید».

۲. ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^(۲)

«او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند».

اگر مسلمانان، این هدف‌ها را مبنای مشترک خود قرار دهند، می‌توانند با تمسک به آنها و با همدلی و برادری، راه سعادت و رستگاری را که همان راه عمل به آموزه‌های دینی است، هر چه بیشتر ببیماید، ولی اگر خدای ناکرده با بزرگ‌نمایی مسایل جزئی، به تفرقه و دشمنی بین هم دامن زنند، علاوه بر این که مورد مذمت خداوند قرار می‌گیرند، در دنیا نیز به بدبختی و فلاکت دچار خواهند شد.

۱. آل عمران(۳): ۱۱۰.

۲. الصف: ۹.

اینها نمونه‌هایی از محورهای وحدت است، در این مورد محورهای دیگری نیز، مانند وحدت در کتاب الهی، وحدت در قبله هنگام نماز، دوستداری اهل بیت نبوت، وحدت در زبان دینی به نام زبان عربی و... هست که خوانندگان با آنها آشنا هستند.

حج و وحدت

حج، بی شک یکی از پرشورترین و زیباترین و شگفت‌انگیزترین عباداتی است که در آن وحدت میان همه اقوام اسلامی را در همانندی نیت، آداب و مناسک، رنگ لباس و طواف کعبه و سعی بین صفا و مروه و حضور هماهنگ و همزمان مسلمانان از هر قوم و قبیله‌ای و فرهنگ و نژادی در عرفات، مشعر و منی و نیز لزوم ترک مباحثه و جدال را به خوبی می‌توان مشاهده نمود. اجتماع مسلمانان در حج بزرگ‌ترین مظهر عظمت و شکوه توحید و خداپرستی است. اگر مسلمانان قدر این اجتماع وحدت آفرین را بدانند می‌توانند منشأ تحول چشمگیری در عرصه‌های مختلف گردند و نیز بسیاری

از مشکلات جهان اسلام را حل نمایند. در این مراسم، مسلمانان از سراسر نقاط جهان در مکانی مقدس و در زمانی خاص دور هم جمع می‌شوند و در محیطی دوستانه و برادرانه در کنار هم یک صدا و یک رنگ و یک لباس ندای توحید سر دهند.

مسلمانان با وحدت در مبانی عقیدتی و رفتاری تنها خدای یگانه را می‌پرستند و همگی خود را امت یک پیامبر و پیرو یک قرآن می‌دانند که به گرد کعبه می‌گردند. کعبه محور توحید و قلب تپنده عالم اسلام است. تعبیر قلب برای کعبه، چه تعبیر زیبایی است. همان‌گونه که قلب در بدن خون را از تمام نقاط بدن می‌گیرد و با تصفیه و پالایش آن، دوباره به تمام بدن سریان می‌دهد. کعبه هم مردم را از تمام نقاط جهان به سوی خود فرا می‌خواند و با تزکیه و تطهیر معنوی و کسب توشه لازم برای نیل به سعادت دنیا و آخرت، به سوی وطن خود برگردند، یعنی مسلمانان دعوت می‌شوند تا در کنار کعبه با طرح مشکلات مادی و معنوی خود به فکر چاره‌اندیشی آنها برآیند و

سپس در حالی که روح برادری و انس و الفت و مهربانی بین آنها تقویت و گسترش پیدا کرده و دائماً در فکر رفعت و عظمت اسلام و مسلمانان هستند، به وطن خود باز گردند.

البته برخی از مسلمانان خواسته‌اند که حج را یک عمل عبادی صرف بدانند که مسلمانان در این مراسم علاوه بر بُعد عبادی به ابعاد دیگر یعنی بُعد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و... نباید توجه کنند. اما چنین تلقی از مراسم حج به هیچ وجه صحیح نیست. آیات قرآن بر آن دلالت دارند که حج تنها یک عمل عبادی صرف نیست، بلکه ابعاد مختلفی را می‌توان برای آن در نظر گرفت. اینک به برخی از دلایل اشاره می‌نماییم:

۱. **عمومیت واژه منافع در آیه حج**
 ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكُّبًا رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ ليشهدوا منافع لهم و يذكروا اسم الله على ما رزقهم من بهيمة الأنعام فكلوا منها واطعموا البائس الفقير* ثم ليقضوا تفثهم وليؤفوا نذورهم وليطوفوا بالبيت

العتيق ﴿۱﴾.

«و مردم را دعوت عمومی به حج کن؛ تا پیاده و سواره و بر مرکبهای لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند. تا شاهد منافع گوناگون خویش (در این برنامه حیاتبخش) باشند؛ و در ایام معینی نام خدا را، بر چهار پایانی که به آنان داده است، (به هنگام قربانی کردن) ببرند؛ پس، از گوشت آنها بخورید؛ و بینوای فقیر را نیز اطعام نمایید! سپس، باید آلودگیهایشان را برطرف سازند؛ و به نذرهای خود وفا کنند؛ و برگرد خانه گرامی کعبه، طواف کنند».

۱. ليشهدوا منافع لهم

به تعبیر ﴿ليشهدوا منافع لهم﴾ توجه نماییم که با توجه به تعبیر ﴿يذكروا اسم الله﴾ دلالت بر آن دارند که حج دارای دو بعد است. بُعد عبادی که در تعبیر ﴿يذكروا اسم الله﴾ تجسم یافته است و بُعد غیر عبادی که می‌تواند بُعد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشد که از تعبیر ﴿ليشهدوا منافع لهم﴾ برمی‌آید. هم چنین دقت در تعبیر ﴿منافع لهم﴾ برمی‌آید که این منافع

معنای عامی دارد، زیرا که این واژه به صورت عام به کار برده شده است و هیچ قید و تخصیصی برای آن نیامده است. بنابراین، بر ما جایز نیست که منافع را بر منفعت خاصی تطبیق دهیم، بلکه معنای منافع را باید عام، بدانیم تا شامل هر منفعتی بشود. برخی از متفکران اسلامی نیز معنای منافع را عام دانسته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌نماییم.

شیخ محمود شلتوت، رئیس اسبق الازهر در این باره می‌گوید:

منافعی که حج وسیله شهود و تحصیل آن می‌باشد، و به صورت نخستین فلسفه حج مطرح شده است، مفهوم گسترده و جامعی دارد که هرگز در نوعی و یا خصوصیتی خلاصه نمی‌گردد، بلکه این جمله با عمومیت و شمولی که دارد همه منافع فردی و اجتماعی را درمی‌گیرد، اگر تزکیه نفس و تقرب به سوی خدا منفعت است، مشاوره در ترسیم خطوط گسترش علم و فرهنگ نیز منفعت می‌باشد. اگر این دو، منفعت به شمار می‌روند، دعوت مسلمانان بر این که همگی فشار خود را در گسترش اسلام متمرکز سازند نیز منفعت به

شمار می‌رود. هم چنین... از این جهت این منافع به مقتضای زمان و اوضاع مسلمانان در هر زمان فرق می‌کند.^(۱)

مفسر بزرگ اهل سنت طبری نیز در تفسیر خود ذیل این آیه می‌گوید:

شایسته‌ترین قول در تفسیر آیه این است که بگوییم خدا از این تعبیر معنای کلی را قصد کرده است و آن این که مسلمانان هر نوع منافعی که موسم آن را دربردارد، درک کنند و به دیگر سخن هر نوع منافع دنیوی و آخروی را به دست بیاورند و هرگز روایتی و یا حکم عقلی این جمله را از معنای وسیع آن به معنای خاص تخصیص نداده است.^(۲)

۲. قیاماً للناس

قرآن در آیه‌ای بیت الله الحرام را با تعبیر قیاماً للناس توصیف کرده است:

﴿جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقِلَابِدَ ذَلِكَ لِيَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ

۱. الشريعة والعقيدة، ص ۱۵۱ به نقل از آیین و هابیت، ص ۴۹.

۲. طبری، تفسیر جامع البیان، ج ۲، ص ۱۷۵.

علیم^(۱)»

نسیارید.»

بنابراین، منظور از این که کعبه قوام زندگی مردم است، معنای اعمی است که شامل هر چیزی می‌شود که جامعه بر آن مبتنی است و بدون آنها جامعه دوام پیدا نمی‌کند. از این رو مراسم وحدت‌بخش حج فقط شامل بُعد عبادی و معنوی صرف نیست، بلکه همه ابعادی که قوام زندگی به آنها است شامل می‌شود که شامل ابعاد اقتصادی و سیاسی و... می‌شود.

۳. اعلام بیزاری در موسم حج

اعلام بیزاری خدا و رسولش از مشرکان یک عمل سیاسی است که پیامبر اسلام ﷺ در سال نهم هجری علی رضی الله عنه را مأمور نمود که قطعنامه‌ای را که متضمن اعلام بیزاری از مشرکان بود در موسم حج قرائت نماید. و این امر، هنگامی بود که شانزده آیه از آغاز سوره براءت بر قلب پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نازل شده بود:

«براءة من الله ورسوله إلى الذين عاهدتم من المشركين...»

«خداوند، کعبه - بیت الحرام - را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده؛ و همچنین ماه حرام، و قربانیهای بی نشان، و قربانیهای نشاندار را؛ این‌گونه احکام بخاطر آن است که بدانید خداوند، آنچه را که در آسمانها و آنچه در زمین است، می‌داند؛ و خدا به هر چیزی داناست.»

خداوند در این آیه کعبه را قوام زندگی مردم قرار داده است. قوام به معنای عماد و تکیه‌گاه است که معنایی اعم از قوام عبادی و معنوی و اقتصادی و سیاسی و... است. یعنی همان‌گونه که قوام یک جامعه، به معنویت و بندگی خداست، مسأله وحدت و یکپارچگی و نیز عوامل اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نیز باعث قوام یک جامعه هستند. قرآن در آیه دیگر نیز از اموال تعبیر به قوام کرده است:

«ولا توتوا السفهاء أموالكم التي جعل الله لكم قياماً»^(۲).

«اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان

۱. مائده (۵): ۹۷.

۲. نساء (۴): ۵.

«این، اعلام) بیزاری از سوی خدا و پیامبر او، به کسانی از مشرکان است که با آنها عهد بسته‌اید».

﴿وَأَذَانٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ...﴾^(۱)

«و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر [روز عید قربان] که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند».

امیرمؤمنان علی علیه السلام پس از قرائت این آیات، قطعنامه‌ای را که متضمن مواد چهارگانه بود به این شرح اعلام نمود: هان ای مشرکان:

۱. بت پرستان حق ندارند وارد خانه خدا شوند.
۲. طواف با بدن برهنه ممنوع است.
۳. بعد از این، هیچ بت پرستی حق ندارد در مراسم حج شرکت کند.

۴. کسانی که با پیامبر پیمان عدم تعرض بسته‌اند، و از اول به پیمان خود وفادار بوده‌اند، پیمان آنان محترم است و تا انقضای وقت پیمان و جان و مالشان محترم می‌باشد، ولی به مشرکانی که با

مسلمانان پیمانی ندارند و یا عملاً پیمان شکنی کرده‌اند، از این تاریخ (دهم ذی‌الحجه) چهار ماه مهلت داده می‌شود که تکلیف خود را با حکومت اسلامی روشن سازند: یا باید به گروه موحدان و یکتاپرستان بپیوندند و هر نوع مظاهر شرک و دوگانه پرستی را درهم کوبند و یا این که آماده جنگ و نبرد گردند.^(۲)

حال، در نظر بگیرید که چه عملی سیاسی‌تر از چنین عملی که در بحبویه فریضه حج که مشرکان و مسلمانان سرگرم طواف و یا مشغول رمی جمره بودند، ناگهان علی علیه السلام روی نقطه بلندی قرار بگیرد و به لغو بخشی از پیمان‌ها مبادرت ورزد و به مشرکان شبه جزیره، چهار ماه مهلت بدهد که یا شرک را ترک گویند و به صفوف موحدان بپیوندند و یا آماده جنگ و نبرد شوند.

۴. تجلی شکوه و عظمت اسلام

اجتماع وحدت آفرین مسلمانان در مراسم حج در عین حال که یک مراسم

۱. التوبة (۹): ۲.

۲. طبری، تفسیر طبری، ج ۶، ص ۷۵.

عبادی است ولی به نمایش گذاشتن عظمت و اقتدار مسلمانان نیز هست که موجب ترس دشمنان اسلام می‌شود. دشمنان اسلام همواره سعی می‌نمایند که برای کسب منافع استعماری خود همواره بین مسلمانان تفرقه بیندازند، تا از این طریق هر چه زودتر به اهداف خود برسند. قرآن به مسلمانان سفارش می‌کند که برای ترساندن دشمنان اسلام آنچه در توان دارند از نبرد و اسب‌ها آماده سازند: **﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ وَاللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾** (۱)

«هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید، و اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد».

حال چه اسلحه و نیرویی برتر از وحدت و همدلی میان مسلمانان در مراسم حج که نیروی فوق‌العاده‌ای را به نمایش می‌گذارند که موجب ترس دشمنان خدا می‌شود، و نیز حفظ جامعه اسلامی از تجاوز، خود یکی از عناصر قوام بخش زندگی است. اگر تنها بعد عبادی حج مورد نظر بود کافی بود که هر یک از حجاج، هر وقت که اراده کرد به حج برود، در حالی که خداوند مقرر کرده حجاج همگی در یک زمان گرد آیند و حج بگذارند، و این به معنای نمایش قدرت و عظمت مسلمانان است.

نتیجه این است که مراسم وحدت‌بخش حج در عین حال که یک عمل عبادی است، یک عمل سیاسی و نظامی نیز می‌باشد. و این دلیل دیگری است که منظور از منافع در تعبیر **﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾** معنای عام است نه صرفاً منافع عبادی.